

که بواسطه شیوع خبر حمله مغول و حرکت سلطان محمد خوارزمشاه بسمت عراق اونیز حرکت نموده درری بیدیدار خویشان مشغول میشود و کتاب نانمام او در مقابله باجماعتی از مغولان از میان میرود و قسمتی از وحشیگری مغولان و تاریخ زندگانی خود را شرح میدهد تا آنکه خود را بفارس می‌رساند. در اینجا شرح مبسوطی که متجاوز از ده صفحه کتاب است در ستایش و مدح و اخلاق نیک و صفات پسندیده اتابک سعدبن زنگی و پسرش ابوبکر بن سعدبن زنگی بیان می‌کند. اتابک سعدبن زنگی که شمس قیس پنجسال در خدمت او بوده و پسرش ابوبکر بن سعدبن زنگی که سالهای زیادتتری در کنف عنایت او میزیسته هر دو امرائی نیک نفس و علم دوست و هنر پرور و دلیر و شاهانی مدبر بوده‌اند که توانستند مدتی فارس را در جلو حمله مغولان نگاه دارند و در بار آنها پناهگاه فراریان بوده همه بجای خود صحیح، ولی هر قدر هم که خوبی کرده باشند بنظر مردم امروز اینقدر مدح و ثنا و چاپلوسی زیادی بنظر می‌آید بخصوص در مقدمه يك کتاب علمی ادبی هر چند حاوی نکات بسیار تاریخی نیز هست دیگر آنکه شمس قیس متن کتاب را بسیار ساده و سلیس و جزیل نوشته و از استعمال کلمه‌های مهجور و دور از ذهن خودداری کرده است اما در دیباچه بقدری لغات عربی غریب استعمال کرده است که کمتر ادیبی امروز میتواند بدون مراجعه بچند قاموس تمام معانی لغات را بداند.

اینک برای نمونه - من بنده را در حریم حمایت خویش جای داد و باکرام و اعزاز محفوظ فرمود و بنواخت و تشریف اگر انعامه مخصوص کرد و به محلی مرموق و مکانی مغبوط بنشانند و در مدتی نزدیک با نقصان حالت و قصور مراسم خدمت از مقربان حضرت خویش گردانید و بمرتب خواص حجاب برسانید شرف محرمیت مجالس استیناس مبذول داشت و تشریف صریفی کاسه و کاس ارزانی فرمود تا قریب پنجسال در ظل و ارف عوارف و کنف عواطف لواطف او فارغ البال رافع الحال فی دعة من العیش و سعة من المال گذرانیدم و روزگار بسر بردم ایزد سبحانه و تعالی صد هزار قنادیل رحمت و رضوان و مشاعل بشری و غفران بروان پاک او برساناد و عمر و ملک و معدلت و مملکت خلف صدق و ولی عهد او خداوند پادشاه معظم خاقان اعظم مالک رقاب الامم مولد

ملوک العرب و العجم اعدل و لاة العالم اکمل رعاة بنی آدم حافظ البلاد راعی العباد  
مدیل الاولیاء مذیل الاعداء المنصور من السماء المؤید باعظم الاسماء مظفر الدنیا و الدین  
غیاث الاسلام و المسلمین عضد الخلفاء و السلاطین ظل الله فی الارضین المخصوص بعنایت  
رب العالمین قهرمان الماء و الطین علاء الدولة القاہرہ ضیاء الملة الزاہرہ بہاء الامة الباہرہ  
یمین السلطنة و الخلافہ باسط النصفۃ الرافہ محیی الخیرات ولی الحسنات ... و بسیار  
کلمات دیگر ملاحظہ فرمائید . اینہمہ تمجید و ستایش یا تعلق و چاپلوسی از یک  
ادیب و نویسندہ بزرگ و عالی مقام بنظر اہل این عصر کہ قرنہا از زمان  
نویسندہ دور شدہ و نمیتوانند جزئیات آن دورہ ہا را بہ بینند و دریابند  
بسیار ناپسند و ناخوش آہند است و امروز کسی از این روش تقلید نمیکند و نباید  
پیروی نماید .

شیخ بہائی علیہ الرحمہ یکی از بزرگان دانشمندان ایران است

کتاب کوچکی در نحو بزبان عربی نوشته است موسوم بہ صمدیہ . اگرچہ این  
کتاب بزبان عربی نوشته شدہ است ولی چون نویسندہ ایرانی و برای ایرانی و کتاب  
برای فارسی زبانان است و در فارسی ہم نظیری برای آن نیافتیم و چون بہترین نمونہ  
از اختصار و باہمتیہای اختصار شامل چند قسمت دیباچہ و شامل صنایع معانی و بیان  
است بیمناسبت ندانستیم ذکر کنیم . می دانیم کہ علم نحو عربی فقط از کلمہ و کلام و  
ہبتدا و خبر و رفع و نصب و جر و جزم بحث می کند این عالم بزرگ تمام این چند کلمہ  
یا اصطلاح را کہ ضمناً برای مقاصد و معانی دیگر بکار رفته ذکر می کند و نویسندہ  
نظیری برای آن تاکنون ندیدہ ام . فرماید :

احسن کلمة یبتدا بها الکلام وخیر خبر یختتم به المرام حمدک اللہم علی جزیل  
الانعام والصلوة والسلام علی سید الانام وآلہ البررة الکرام سیما ابن عمہ علی الذی  
نصبہ علماً للاسلام و رفعہ لکسر الاصنام جازم اعناق النواصب اللثام و واضع علم النحو  
لحفظ الکلام . اما بعد . -